



اندوه و شادی زن غربی در داستان‌های آلیس مونرو

اگر قرار باشد به نویسندگان داستان کوتاه جایزه‌ی پدینا دهند، آلیس مونرو قطعاً نخستین برنده چنین جایزه‌ی می‌شود.

نکته برجسته در کار مونرو داستان‌نویسی در قالب «سوار رمزگشوده» Open Secret است و آلیس نمونه‌های درخشانی در این ژانر داستانی دارد. مجموعه‌ی از هشت داستان مونرو با همین سبک نگارش یافته است.

این داستان‌ها درباره‌ی زنانی است که با نگرانی و دواپسی گرفتار در میان گذشته سنتی‌شان و نیز زمان حال اند که آن‌ها را به جهت‌های عجیب و غریب می‌کشاند.

معانی درونی در این آثار پوشیده نیستند و جنبه‌های جنسیتی در هنر شگرف مونرو آشکارا به چشم می‌آید. در یکی از داستان‌ها یک زن توریست کانادایی که برنامه سفرش به کوه‌های جنوب شرقی اروپا را تغییر داده، در دام طایفه‌ی گگ‌ها (یک طایفه‌ی آلبانیایی) گرفتار شده و به کار گمارده می‌شود. وضع زندگی در این دهکده به گونه‌ی است که شخصیت داستان را به بی‌خبری خواب‌آلوده‌ی می‌اندازد تا آن جا که «خود» قبلی‌اش را به فراموشی می‌سپارد. روش برخورد و رفتار اهالی منزوی دهکده مسیحی آلبانیایی، با این توریست گرفتار بسیار خشن و ناهنجار تصویر می‌شود. به نحوی که شخصیت زن داستان برای دور ماندن از گزند طایفه وادار به فوری جستن از غرایز جنسی، زندگی در تنهایی و پوشیدن لباس مردانه می‌شود. و در این میان آن‌چه مونرو می‌کوشد به خواننده القا کند آن است که رخوت

شخصیت‌ها را نباید به راحتی باور کرد.

داستان مونرو شکل ادبی و نگارش یافته واقعی‌یی است که در دهه ۱۹۲۰ در بین طایفه گگ‌ها در آلبانی رخ داده است. این ماجرا توسط زنی برای راوی داستان بازگو شده است. اگرچه اعتبار راوی به شکلی نزد خواننده زیر سؤال می‌رود، اما مونرو با هنرمندی تمام حقیقت و خیال‌پردازی را در این ماجرای عجیب در هم‌بافته است.

زنی که گرفتار گگ‌ها شده صاحب یک کتاب‌فروشی در بریتیش کلمبیا است که در جریان گرفتاری خود دچار تحول و دگرگونی می‌شود.

در داستان دیگر مونرو یک کتابدار شهرستانی از توابع انتاریو در جریان جنگ جهانی اول، با یک سرباز مکاتبه دارد. سرباز در پایان جنگ به کشورش بازمی‌گردد و با زنی دیگر ازدواج می‌کند. کتابدار این ازدواج را خیانتی به خود تلقی می‌کند و با احساس پریشانی حاصل از نوعی حس دورماندگی دست به گریبان می‌شود. داستان این زن نمایی از آشفتگی زن غربی، رخنه احساسات غیرمنتظره، نیرنگ و نیز تسلی‌های درخشان و زودگذر را به شیوایی تمام به نمایش در می‌آورد.

سالیان سال طول کشیده تا مونرو از خلال داستان‌گویی‌های خود به چنین درک و بینشی رسیده و از او ناظری دقیق با بیانی رسا نسبت به سرنوشت مبهم زن غربی ساخته است.

اما فضای داستان‌های مونرو همیشه تیره و خاکستری نیست، او در داستان *The Jack Randa*

Hotel زندگی کم‌دی افرادی از طبقه مرفه جامعه را به تصویر می‌کشد. در این داستان زنی همسر فراری‌اش را تا زلاندنو تعقیب می‌کند و در آن جا مخفیانه مانع از ارسال نامه‌های عاشقانه همسرش به زن دیگر می‌شود. این زن نامه‌های همسرش را در اختیار گرفته و خود به جای زن ناشناس پاسخ‌های گستاخانه و سرشار از ظرافت و شوخ‌طبعی برای شوهرش می‌فرستد و به این ترتیب از همسر خیانتکارش انتقام می‌گیرد.

منشاء تمام داستان‌های مونرو زندگی روستایی در انتاریو کانادا است؛ جایی که نویسنده در آن جا بزرگ شده است. این منطقه همانند باختر میانه (در ایالات متحده) مکانی آشنا به نظر می‌رسد. برهوت ملال‌آوری که در آن حتی عجیب و غریب‌ترین چیزها عادی جلوه‌گر می‌شود.

در داستانی دیگر دختری پیدا می‌شود که مطالبی عجیب از رویارویی با یک سفینه فضایی بیان می‌کند. او می‌گوید موجودات فرازمینی که دیده به هیچ‌وجه اندام‌های عجیب و غریب با رنگ سبز... ندارند بلکه تمام آن‌ها کودکان کانادایی با شلوار راه‌راه هستند. این داستان تخیلی به نحوی بیان می‌شود که در دهر خواننده به صورت داستانی کاملاً باورکردنی جان می‌گیرد.

مونرو تسلط خود را در این نوع ارتباط با خواننده چنان به نمایش می‌گذارد که هر یک از داستان‌ها کوتاه او را غنی‌تر و لذتبخش‌تر از بسیاری از رمان می‌نمایند.